

نقش رفتار مقتول در رابطه‌ی استناد قتل عمدی

کیومرث کلانتری* بهروز قلیزاده**

(تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۷)

چکیده:

بر اساس ماده ۴۹۲ ق.م.ا. جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه‌ی حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد. در قتل عمدی یکی از مواردی که با وجود قصد قتل توسط مرتکب، می‌تواند رابطه‌ی استنادی بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله را قطع کند، رفتار مقتول است. مقتول می‌تواند با انجام رفتارهای «عمدی آگاهانه و یا ناآگاهانه» که ممکن است به صورت ترک فعل نیز باشد، رابطه‌ی استنادی بین رفتار مرتکب و قتل حاصله را قطع کند. باین حال در برخی موارد سوءنیت مرتکب چنان گسترده است که رفتار مقتول در قطع رابطه‌ی استنادی، تأثیری در انتساب قتل به مرتکب نخواهد داشت. حال باید دید رفتار مقتول در چه مواردی رابطه‌ی استنادی در قتل عمدی را قطع می‌کند و سوءنیت مرتکب چه تأثیری بر انتساب قتل دارد؟ در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی رابطه‌ی استنادی در قتل عمدی، تأثیر رفتارهای مقتول در وقوع قتل عمدی با لحاظ قاعده اقدام بررسی می‌شود و با توسل به اصول حقوقی و فقهی به سؤالات مربوط پاسخ داده می‌شود.

واژگان کلیدی: قتل عمد، مقتول، رفتار مقتول، رابطه‌ی استنادی، رابطه‌ی انتساب

* دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول):

مقدمه؛

مقتول^۱ به طرق و دلایل مختلفی می‌تواند در قتل خویش نقش ایفا کند. بارزترین حالتی که مقتول می‌تواند در قتل خودش دخالت داشته باشد ارتکاب رفتار کشنده‌ی آگاهانه و عمدی نسبت به خودش هست که «خودکشی» نامیده می‌شود. در این حالت شخص دیگری در ارتکاب رفتار توسط مقتول، دخالت ندارد. اگر هم دخالت داشته باشد در حد مباشرت یا شرکت در قتل نیست.^۲ در بیشتر نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران خودکشی جرم تلقی نشده است البته در حقوق ایران بر اساس بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ی (۱۳۸۸) دخالت در خودکشی دیگران در قالب معاونت در خودکشی به صورت تحریک یا ترغیب یا تهدید به خودکشی جرم انگاری شده است. موضوع این مقاله مربوط به مواردی است که رفتار مجرمانه‌ی قتل توسط شخص دیگری با هدف قتل شخصی غیر از مقتول در حال ارتکاب است، لکن مقتول با رفتار خود، قربانی جرم واقع می‌شود. دخالت مقتول در رفتار مجرمانه قتل ممکن است به صورت عمدی و با آگاهی نسبت به کشنده بودن رفتار مانند دخالت محافظ شخصی^۳ و پلیس برای نجات افراد؛ یا رفتار عمدی ولی بدون آگاهی نسبت به کشنده بودن صورت گیرد؛ مانند حالتی که مرتکب یک غذای سمی را برای قتل دیگری تهیه کرده است ولی قربانی بدون آگاهی نسبت به سمی بودن آن را می‌خورد. البته ممکن است مقتول به صورت غیر عمدی نیز در مسیر ارتکاب جرم قرار گیرد. دخالت مقتول در عملیات مادی جرم قتل ممکن است منجر به قطع رابطه‌ی استناد^۴ بین

۱. در این مقاله شخصی که در نتیجه‌ی رفتار خودش کشته می‌شود، مقتول نام‌گذاری شده است، چراکه مرگ وی طبیعی نبوده و در اثر رفتار خودش به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به قتل رسیده است.

۲. در این خصوص رجوع کنید به نقد دادنامه شماره ۴۷۶، مورخ ۱۳۷۱/۹/۸ صادره از شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور (محمدخانی، ۱۳۸۹: ۹۵)

3. Bodyguard

۴. در یکی از آراء دیوان عالی کشور چنین آمده است: «همان‌گونه که در دفاعیات و اظهارات محکوم‌علیه در لایحه تجدیدنظرخواهی آمده است، آنان مرتکب فعل یا ترک فعلی که منجر به بروز حادثه منجر به فوت شده است، نگردیده‌اند ... و در مانحن فیه قطع شدن سیم برق و رها بودن آن روی زمین سبب بروز حادثه گردیده و طبق نظریه کارشناسان این ←

رفتار و نتیجه‌ی حاصله شود. در این خصوص می‌توان به ماده ۴۹۲ ق.م.ا. اشاره کرد. در مواردی که تردید وجود دارد قتل حاصله مستند به رفتار خود مقتول است یا مرتکب، تشخیص رابطه‌ی استناد بین قتل حاصله و هر کدام از رفتارها (رفتار مقتول یا مرتکب) منجر به مشخص شدن قاتل خواهد شد. صرف برقراری رابطه‌ی استناد بین رفتار مجرمانه و نتیجه‌ی حاصله برای تحقق قتل عمدی کافی نیست باید به وسعت سوءنیت مرتکب نیز توجه شود. چراکه ترکیب رفتار و اراده‌ی مقتول با رفتار و سوءنیت خاص مرتکب مبنی بر کشتن شخص معین یا اشخاص نامعین، حالت-هایی را برای قتل متصور می‌کند که در قانون به صورت مستقیم و منسجم بررسی نشده‌اند. در این زمینه لازم است به قاعده‌ی اقدام نیز توجه داشت که به نوعی در ماده ۵۳۷ ق.م.ا. شکل قانونی به خود گرفته است.^۲

طبق موارد گفته شده سؤالات مهمی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- اگر مرتکب سوءنیت خاص مبنی بر کشتن انسان معینی را داشته باشد ولی مقتول با رفتار عمدی خود (اعم از آگاهانه و ناآگاهانه) در مسیر رفتار مجرمانه قرار گیرد و به قتل برسد، قتل حاصله مستند به چه کسی خواهد بود؟ ۲- اگر سوءنیت خاص مرتکب کشتن انسان‌های غیر معین باشد دخالت مقتول چه تأثیری در انتساب قتل به رفتار مرتکب خواهد داشت؟ ۳- اگر مرتکب عمداً مقتول را از کشنده

قطع سیم برق در اثر حادثه جوی و وضع هوا بوده است و متهمان هیچ گونه نقش و تأثیری در ایجاد این سبب نداشته‌اند... با توجه به جهات فوق الأشعار دادنامه تجدیدنظر خواسته قابل تأیید نبوده و نقض می‌شود» دادنامه شماره ۲/۱۹۶-۱۳۷۱/۴/۱ به نقل از (بازگیر، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۴۹)

۱. ماده ۴۹۲: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه‌ی حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.

۲. ماده ۵۳۷: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.»

بودن «موقعیت» آگاه نکنند، آیا می‌توان به استناد ترک فعل (مبنی بر آگاه نکردن یا جلوگیری نکردن) وی را قاتل دانست؟

برای درک بهتر موضوع ابتدا دو ضابطه‌ی «وجود رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و جنایت حاصله» و «قاعده‌ی اقدام» که در تحقق قتل عمد نقش مهمی دارند اشاره می‌شود، سپس به بررسی صور مختلفی که از ترکیب سوءنیت و رفتار مجرمانه مرتکب با رفتار و اراده‌ی مقتول به وجود می‌آیند، پرداخته می‌شود.

۱. رابطه‌ی استناد در قتل عمد؛

بر اساس ماده ۴۹۲ ق.م.ا «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه‌ی حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». مطابق ماده‌ی فوق مجرم گاه خود مستقیماً علت ایجاد نتیجه‌ی مجرمانه را فراهم می‌کند که از آن به «مباشرت» تعبیر شده است. گاهی مرتکب به طور غیرمستقیم و با ایجاد سبب، باعث تحقق نتیجه و ارتکاب جرم می‌شود که آن را تسبیب نامیده‌اند. «سبب» عاملی است که از عدم آن عدم وقوع نتیجه مجرمانه لازم می‌آید، ولی با وجود آن وجود نتیجه لازم نمی‌آید؛ بنابراین گرچه آن عامل علت جرم نیست، اما مؤثر در وقوع آن است، مانند آلوده کردن غذای مجنی علیه به سم (صادقی، ۱۳۸۱: ۷۷) و در نهایت، در مواردی مرتکب صرفاً شرایط تأثیر دو عامل اخیر (مباشر و سبب) را فراهم می‌کند که از آن به شرط یاد می‌شود (ریاحی، ۱۳۸۶: ۳۱). شرط در قانون مجازات اسلامی ذکر نشده است، اما ممکن است در قالب تسبیب تفسیر شود. در فقه نیز رفتار مرتکب به صورت «علت»، «سبب» یا «شرط» موجب تحقق جنایت می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۸: ۵۳۸). این تقسیم‌بندی مختص جنایت نیست بلکه همه‌ی جرایم در نتیجه‌ی یکی از عوامل مذکور اتفاق می‌افتند (الهیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۱-۴۹). «علت» را معمولاً به این صورت تعریف می‌کنند

۱. مطابق ماده ۴۹۴ ق.م.ا مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

که مستقیم (مانند هل دادن شخصی به چاه) یا غیرمستقیم (مانند ایراد ضرب و جرح و سرایت جراحت و منجر به مرگ شدن) موجب مرگ گردد (نجفی، ج ۱، بی تا: ۳۷ و ۳۶). برخلاف تسبیب، مباشرت در هر حال موجب ضمان است هر چند تعدی و عدوان در آن نباشد. زحیلی و عبدالقادر عوده قاعده‌ای «المتسبب لایضمن الا بالتعدی و المباشر ضامن و ان لم یتعد» (زحیلی، ۱۹۹۷ م، ج ۵: ۷۴۹، عوده، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۳۳) را بیان کرده‌اند که تعدی را برای ضامن دانستن سبب لازم می‌داند در حالی که برای مباشر تعدی لازم نیست.

عوامل مختلفی می‌تواند منجر به قطع رابطه‌ی استناد در قتل گردد. برای مثال در قتل شبه عمدی قوای قاهره و خطای بزه‌دیده، عواملی هستند که رابطه‌ی انتساب را قطع می‌کنند (رون زاد و شاکری، ۱۳۸۲: ۱۴۷-۱۶۴) در قتل عمد نیز یکی از عواملی که می‌تواند رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله را قطع کند، رفتار مقتول است. البته در مواردی ممکن است با وجود قطع رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و قتل حاصله، باز هم قتل منتسب به رفتار مرتکب باشد و آن هم مربوط به مواردی است که مرتکب از «سوءنیت موسع» برخوردار باشد؛ مانند حالتی که شخصی قصد کشتن انسان‌های نامعینی را داشته باشد. البته در این حالت آگاهی یا عدم آگاهی مقتول نسبت به کشنده بودن «موقعیت» مؤثر در انتساب قتل خواهد بود که در ادامه بررسی خواهد شد. رفتار مقتول ممکن است در قالب قاعده‌ی اقدام تفسیر شود ازین رو لازم است به نقش این قاعده در ارتکاب جنایت اشاره شود.

۲. قاعده‌ی اقدام؛

معنای قاعده‌ی اقدام این است که کسی با علم، قصد و رضا اقدام به ضرر یا ضمانی نماید و به تعبیر دیگر، با اسقاط احترام مالش یا جانش ضرر یا ضمانی را بپذیرد (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۶۶ و ۳۷۰). قاعده‌ی اقدام با وجود اینکه عمدتاً در مسائل مالی و مدنی اعمال می‌شود لکن در مواردی که شخصی به ضرر جان و اعضا و جوارح خود، با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به

وی و امکان فرار اقدام کند نیز اعمال می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۱۱ تا ۱۱۹). در این صورت مسئولیت و ضمان متوجه خود شخص زیان‌دیده خواهد بود.

بررسی دیدگاه فقیهان نیز نشان می‌دهد که این قاعده منحصر در موارد مالی نیست؛ چراکه علاوه بر مسائل مالی و مدنی، مواردی نیز توسط فقها ذکر شده است که نشان‌دهنده جریان این قاعده در خسارت‌های وارد بر جسم اشخاص است (اسماعیل‌آبادی و دیگران ۱۳۸۶: ۶۱-۸۲)، مانند آنکه اگر کسی چاهی بر سر راه بکند و دیگری به عمد خود را به چاه بیندازد و بمیرد، حفر کننده‌ی چاه ضامن نیست؛ زیرا متوفی به زیان خود اقدام کرده است و عمل او رابطه‌ی سببیت میان زیان و فعل حفر کننده‌ی چاه را قطع می‌کند (سرخسی، بی تا: ۱۶). اگر کسی پوست هندوانه یا موز در مسیر عبور عابران بریزد یا در راه آن قدر آب پاشد که جاده لغزنده شود و در نتیجه آن، پای عابری بلغزد و صدمه ببیند، آب ریزنده یا کسی که پوست‌ها را ریخته، ضامن است، ولی اگر عابر با آنکه می‌توانسته از خطر احتراز کند، به عمد پایش را روی پوست بگذارد، کسی ضامن نیست. به باور فقیهان، دلیل حکم فوق، اقوا بودن مباشر (بزه‌دیده) است. (نجفی، بی تا: ۱۲۸ و حلی، ۱۴۱۹: ۶۵۶). در برخی موارد ممکن است بزه‌دیده رفتار تقصیر آمیزی مرتکب شده باشد که در جمع با رفتار مرتکب اصلی منجر به زیان شود. مواردی را که تقصیر و خطای زیان‌دیده در کنار خطای دیگری سبب بروز خسارت می‌شود هم باید به موارد پیش گفته افزود که اقدام زیان‌دیده به‌عنوان جزء‌العله در بروز خسارت نقش دارد. در موردی که سه نفر باهم دیواری را خراب کنند یا چاهی حفر کنند، چنانچه دیوار یا چاه بر روی یکی فروریزد و او را بکشد، شریکان بازمانده، باید دوسوم دیه‌ی متوفی را بپردازند و یک‌سوم هم به خاطر نقش تقصیر زیان‌دیده و یا اقدام او به خسارت ساقط است (سرخسی، همان، ۱۴ و ۱۶ و طباطبایی، ۱۴۱۲: ۴۱۴-۴۱۵)؛ بنابراین قاعده اقدام منحصر در مواردی نمی‌شود که زیان‌دیده با علم و قصد در جهت ضرر خود رفتاری را مرتکب شود، بلکه شامل خطا، تقصیر و اشتباه بزه‌دیده نیز می‌شود؛ بنابراین همه‌ی

رفتارهای زیان‌آور بزه‌دیده (به ضرر خویش) اعم از عمدی و غیر عمدی، در قالب قاعده‌ی اقدام قابل بحث است.

با ترکیب سوءنیت مرتکب و رفتار مقتول فروض مختلفی قابل تصور است که در برخی از آن‌ها قتل منتسب به مرتکب و در برخی دیگر منتسب به خود مقتول خواهد بود. بر اساس ماده ۲۹۰ سوءنیت مرتکب قتل ممکن است به یکی از این حالات باشد: الف) مرتکب قصد خاص کشتن انسان معینی را دارد؛ ب) مرتکب عمداً فعل نوعاً کشنده‌ای انجام می‌دهد و قصد قتل ندارد؛ ج) مرتکب قصد کشتن انسان‌های نامعینی را دارد. در ادامه فروض مختلف بر اساس سوءنیت مرتکب تقسیم‌بندی می‌شود و در زیر هر عنوان صور خاص دخالت مقتول نیز با سوءنیت مرتکب تطبیق داده می‌شود تا معلوم شود در هر کدام از حالت‌های زیر قتل مستند و منتسب به چه کسی خواهد بود.

۳. مرتکب قصد کشتن شخص معینی را دارد؛

ماده ۲۹۰ ق.م.ا. که بیان‌کننده‌ی جنایت عمدی است در بند الف مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن حاصل شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.» در این بند آنچه که برای تحقق قتل عمدی لازم و کافی است، قصد کشتن انسان معین است. «معین بودن» یکی از شرایطی است که قانون‌گذار در این ماده برای تحقق قتل عمدی الزامی دانسته است. در زیر با فرض سوءنیت مرتکب مبنی قصد کشتن شخص معین، صور خاص دخالت رفتار مقتول بررسی می‌شود.^۱

۱. مرتکب به دلیل اشتباه در هویت یا هدف ممکن است نتواند شخص معینی را که قصد قتل او را داشته است به قتل برساند. تکلیف اشتباه در هویت در ماده ۲۹۴ ق.م.ا. مشخص شده است بر اساس این ماده اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود. در خصوص اینکه در صورت وقوع اشتباه در هدف قتل عمدی خواهد بود یا شبه عمدی ر.ک: ←

۳-۱. رفتار عمدی و آگاهانهی مقتول؛

رفتار عمدی و آگاهانه یعنی رفتاری که شخص از روی اراده و با آگاهی به نتایج آن مرتکب می‌شود. یک شخص بنا به دلایل مختلفی می‌تواند با یک رفتار عمدی و آگاهانه خود را در مسیر جنایت دیگری قرار داده و با فداکاری خود را قربانی جرم سازد تا هدف اصلی را از مرگ نجات دهد؛ مانند دوستی که خود را فدای دوستش می‌کند یا افراد یک خانواده که برای نجات جان همدیگر ممکن است فداکاری کنند. در برخی موارد ممکن است نجات جان دیگری وظیفه‌ی فرد باشد. در این زمینه می‌توان به پلیس و محافظین شخصی (بادیگارد) و تیم حفاظتی مقامات سیاسی اشاره کرد که ممکن است برای نجات افراد مذکور جان خود را به خطر بیندازند. حال چنانچه شخصی به طرق مذکور خود را در معرض رفتار کشنده‌ی مرتکب قرار داد و به قتل رسید، آیا می‌توان مرتکب را قاتل دانست؟ برای مثال شخصی قصد کشتن شخص «الف» را دارد و به سمت وی تیری را شلیک می‌کند و شخص «ب» که پسر یا محافظ شخص «الف» می‌باشد خود را در مسیر گلوله انداخته و منجر به کشته شدن خودش می‌شود. در اینجا باید دید قتل انجام گرفته مستند به رفتار چه کسی است. به نظر می‌رسد رفتار عمدی و آگاهانه شخص «ب»، به عنوان یک عامل مستقل باعث قطع رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله شده است که این اقدام مقتول با قاعده اقدام نیز مطابقت دارد. از طرف دیگر با توجه به سوءنیت مرتکب که محدود به یک شخص معین می‌باشد، اگر شخصی دیگری غیر از شخص معین به قتل برسد، می‌توان گفت قتل حاصله منتسب به مرتکب نمی‌باشد. این استدلال مربوط به زمانی است که مرتکب احتمال دخالت «ب» را در قتل نمی‌داده است ولی اگر چنانچه دخالت شخص «ب» برای نجات شخص «الف» محتمل باشد، عمل مرتکب را می‌توان حداقل قتل غیرعمدی تلقی کرد؛ چه بسا با توجه به اینکه رفتار مرتکب نوعاً کشنده بوده و قصد کشتن انسانی را نیز داشته است،

→ کلانتری، کیومرث و شیرزادی، فرشاد، (۱۳۹۳)، قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات اسلامی، فصلنامه

پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، صفحات ۷۹-۹۶

بتوان قتل حاصله را قتل عمدی نیز دانست. برای مثال شخصی که غذای سمی را در مقابل شخصی که دارای محافظ شخصی است قرار می‌دهد باید این احتمال را بدهد که محافظین آن شخص، غذا را تست خواهند کرد یا اگر تیری به سمت رئیسشان شلیک شود خود را در مسیر تیر قرار خواهند داد. در این صورت قتل اتفاق افتاده را می‌توان با استناد به بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. به مرتکب منتسب کرد. این بند بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود». در این ماده که ناظر بر انجام قتل توسط رفتار نوعاً کشنده است، «معین بودن مقتول» شرط تحقق قتل عمدی نیست.

۲-۳. رفتار عمدی ولی ناآگاهانه‌ی مقتول؛

گاهی ممکن است مقتول با ارتکاب رفتار عمدی ولی ناآگاهانه، خود را در مسیر ارتکاب جرم قرار دهد. در این حالت زیان دیده علم به کشنده بودن رفتار مرتکب اصلی ندارد ولی رفتاری را که انجام می‌دهد به صورت عمدی است. برای مثال مرتکب که قصد کشتن «الف» را دارد وی را به یک رستورانی دعوت می‌کند و در قهوه‌ی که برایش تدارک دیده است سم می‌ریزد، هنگامی که مرتکب، منتظر نوشیدن قهوه‌ی سمی توسط «الف» هست، «ب» از راه می‌رسد و بدون اجازه‌ی مرتکب، قهوه را سر می‌کشد و در اثر سم موجود در قهوه جان خود را از دست می‌دهد. عمل مقتول با توجه به اینکه علم به سمی بودن و کشنده بودن نداشته است نمی‌تواند خودکشی باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه مقتول، هدف یا سیبیل قتل نبوده و اساساً طراح نقشه‌ی قتل (مرتکب) هیچ برنامه‌ای برای قتل او نداشته است، انتساب قتل حاصله به رفتار وی دشوار خواهد. در اینجا قتل اتفاق افتاده منتسب به مرتکب نیست و شخص «ب» با رفتار خود علیه خودش اقدام کرده است. هرچند در این اقدام آگاهی لازم را نداشته است؛ بنابراین در این حالت با توجه به

نبودن رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله بر اساس ماده ۴۹۲ ق.م.ا. و قاعده‌ی اقدام قتل حاصله مستند به رفتار مرتکب نخواهد بود بلکه مستند به رفتار خود مقتول است. این استدلال مربوط به زمانی است که مرتکب قادر بر بازداشتن قربانی از اقدام علیه خود نباشد ولی اگر چنانچه مرتکب (مسموم کننده) توانایی بر بازداشتن شخص «ب» از نوشیدن سم را داشته باشد احکام متفاوت خواهد بود. اگر مرتکب توانایی بر بازداشتن قربانی از انجام رفتار کشنده نسبت به خود را داشته باشد ولی او را از سمی بودن آگاه نکند مرتکب ترک فعل شده است. حال باید دید آیا ترک فعل در این صورت منجر به تحقق قتل عمدی خواهد بود یا نه؟ اصولاً ترک فعل زمانی منجر به تحقق قتل خواهد شد که ماهیت ترک فعل عرفاً منجر به مرگ دیگری شده باشد نه اینکه از مردن دیگری جلوگیری نکرده باشد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱: ۲۷۳-۳۱۴).^۱ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. بیان داشته است: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه‌ی خاصی را که قانون بر عهده‌ی او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است...» بر اساس آنچه در این ماده ذکر گردیده است برای تحقق جنایت مستند به ترک فعل، باید شرایط زیر وجود داشته باشد: الف) شخص باید وظیفه‌ای خاصی را بر عهده گرفته باشد؛ یا قانون وظیفه خاصی را بر عهده‌ی وی گذاشته باشد؛ ب) توانایی انجام آن فعل را داشته باشد.

در مثال فوق چنانچه شخص مسموم کننده‌ی قهوه توانایی جلوگیری از نوشیدن قهوه توسط شخص «ب» را نداشته باشد اساساً ماده ۲۹۵ ق.م.ا. (ترک فعل) قابل طرح نخواهد بود؛ چراکه اساسی‌ترین شرط لازم برای مستند کردن جنایت به ترک فعل، توانایی انجام آن فعل است. حال

۱. برخی از ترک فعل‌ها فی نفسه جرم هستند که به آن‌ها ترک فعل واقعی می‌گویند مانند ترک انفاق که موضوع بحث ما نیستند. برخی مواقع نیز جرایم فعلی با ترک فعل محقق می‌شوند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۶) در واقع این دسته، جرایم ناشی از ترک فعل هستند. ترک فعل مرتکب در مثال قهوه سمی نیز از نوع دوم است و ترک فعل واقعی نیست؛ مانند ناجی غریقی که غریق را نجات نمی‌دهد.

با فرض اینکه مرتکب می‌توانست جلوی نوشیدن سم توسط شخص «ب» را بگیرد ولی این عمل را انجام نداده است؛ آیا می‌توان گفت مرتکب عرفاً وظیفه داشت از نوشیدن قهوه توسط مقتول ممانعت کند؟

هر چند در خصوص مثال بالا مرتکب فعلی را بر عهده نگرفته است و بر اساس قانون هم وظیفه‌ای خاصی بر عهده‌ی وی گذاشته نشده است لکن به نظر می‌رسد از نظر عرف موظف می‌باشد که شخص «ب» را از خوردن سم بر حذر دارد. هر چند که در ماده ۲۹۵ ق.م.ا. تنها از تعهد قانونی و قراردادی صحبت شده، اما این تکلیف ممکن است به دستور قانون، قرارداد، عرف و ... ثبوت پیدا کند (صادقی و جودکی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در واقع هر چند بین مقتول و مرتکب قراردادی مبنی بر منع مقتول از نوشیدن قهوه منعقد نشده و مرتکب وظیفه‌ای را بر عهده نگرفته است، لکن عرف این وظیفه را بر عهده وی گذاشته است که از نوشیدن قهوه‌ی سمی توسط مقتولی که به سمی بودن قهوه ناآگاه است، ممانعت کند؛ چراکه «در این خصوص، عرف بین رفتار متهم و مرگ مجنی علیه رابطه‌ی علیت برقرار می‌کند، هر چند از نظر مادی نتوان بین این دو رابطه علیت برقرار کرد» (شاکری و کندلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). پدر و مادری که با اطلاع از وجود خطر، مانع از تأثیر آن به طفل نشوند تا کشته شود، مسئول‌اند؛ چراکه از نظر عرف بین عدم اقدام والدین و مرگ فرزند رابطه سببیت برقرار است (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ۳۰). برخی از فقها نیز صریحاً به نقش عرف در استناد جنایت به رفتار جانی تأکید داشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۹۶)؛ بنابراین وجود الزام عرفی برای تحقق ترک فعل کافی است و در این مورد از نظر عرف بین نتیجه‌ی حاصله و ترک فعل صورت گرفته رابطه‌ی استناد برقرار است؛ چراکه رفتار وی خطری را متوجه شخص «ب» ساخته است که از وجود آن غافل است. در نهایت به نظر می‌رسد چنانچه مرتکب،

ترک فعل کند و شخص «ب» را از مسموم بودن قهوه آگاه نکند، می‌توان قتل را به رفتار وی مستند کرد.^۱

مثال‌های مشابه حالت بالا در فقه عمدتاً در قالب مثال‌هایی مربوط به سمی کردن غذا مطرح شده است و به اجازه دادن و عدم اجازه‌ی صاحب غذا توجه شده است. برای مثال صاحب جواهر بیان می‌کند: اگر کسی به طعام خود سم ریخته و آن را در منزل خود بگذارد و کسی بدون اجازه او وارد خانه‌اش شود و آن غذای سمی را خورده و مرده است صاحب‌خانه هیچ مسئولیتی از قصاص و دیه برای او ندارد؛ زیرا اصل برائت وی از قصاص و دیه است. بالأخص کسی که آن غذا را خورده عدواناً وارد خانه او شده و بدون اجازه غذای او را خورده است. بلکه اگر کسی با اجازه صاحب‌خانه وارد خانه شده، ولی بدون اجازه او غذای او را بخورد و بمیرد، باز هم صاحب‌خانه هیچ مسئولیتی ندارد. چون بدون اجازه خورده است (نجفی، ۱۳۹۲ ج ۱: ۸۳). استدلال صاحب جواهر برای عدم قصاص توسل به اصل برائت است، درحالی که به نظر می‌رسد در این موارد همان‌طور رابطه‌ی استناد بین رفتار صاحب‌خانه و قتل حاصله با دخالت خود مقتول قطع گردیده و قتل حاصله مستند به رفتار خود مقتول است. آنچه در این مثال‌ها به آن توجه نشده است، حالتی است که صاحب‌خانه اجازه‌ی خوردن غذای سمی را نداده درحالی که نظاره‌گر خوردن غذای سمی توسط شخص وارد شده می‌باشد و یا حالتی که صاحب‌خانه امکان اعلام سمی بودن غذا را دارد ولی اعلام نمی‌کند که در بالا مورد بررسی قرار گرفت.

۱. ترک فعل مرتکب را می‌توان در قالب تسبیب توجیه کرد. در صورتی که نتوان مرتکب را به جهت ترک فعلش محکوم کرد می‌توان وی را با استناد به ماده‌ی واحده‌ی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی به حبس جنحه‌ای از سه‌ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یک‌صد هزار ریال محکوم کرد. بر اساس این ماده «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا... از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند...» به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. مرتکب با اقدام فوری خود و آگاه کردن شخص ثالث از سمی بودن قهوه می‌توانست از وقوع خطر جلوگیری کند.

۴. مرتکب قصد کشتن انسان یا انسان‌های نامعین را دارد؛

«هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.» بنا بر بند «ت» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. به قتل عمدی محکوم خواهد شد. در این نوع قتل، قصد قاتل کشتن یک شخص معین نیست و فرقی نمی‌کند که مقتول چه کسی باشد. حال باید دید با وجود سوءنیت خاص مرتکب مبنی بر قتل انسان (نه انسان معین) رفتار مقتول چه تأثیری می‌تواند در قتل داشته باشد؟

۴-۱. رفتار عمدی و آگاهانه‌ی مقتول؛

شخصی بمبی را در یک محیط عمومی قرار می‌دهد تا افرادی که در آنجا هستند یا از آنجا به صورت اتفاقی عبور خواهند کرد، کشته شوند یا آسیب ببینند. مسلماً اگر چنانچه شخصی در اثر انفجار آن بمب جان خود را از دست دهد، مرتکب (بمب‌گذار) به مجازات قتل عمدی محکوم خواهد شد. در برخی موارد ممکن است قبل از انفجار بمب افرادی آن را ببینند یا پلیس متوجه وجود بمب در یک مکان عمومی شود. حال چنانچه پلیس از سر وظیفه و هر فرد دیگری از سر خیرخواهی بخواهند بمب را خنثی کنند یا از آن محل دور کنند و در هنگام عملیات خنثی‌سازی یا دور کردن، بمب منفجر شود و کشته شوند، باز بمب‌گذار به مجازات قتل عمدی محکوم خواهد شد؛ چراکه سوءنیت مرتکب چنان گسترده است که عمل عمدی و آگاهانه‌ی مقتول در جهت خنثی کردن و یا دور کردن بمب، اقدام علیه خودش محسوب نمی‌شود. در اینجا هر چند به لحاظ علیتی بین رفتار مرتکب و قتل حاصله رابطه‌ی استناد وجود ندارد، لکن به لحاظ عرفی بین قتل حاصله و عمل مرتکب «علیت عرفی» برقرار است. به همین دلیل است که اغلب حقوقدانان برای رفع مشکلات مربوط به رابطه‌ی علیت، «علیت عرفی» را مدنظر قرار داده و اذعان می‌کنند که اگر از نظر «عرف» بین اقدام انجام شده و نتیجه رابطه‌ی برقرار باشد به گونه‌ای که

بتوان به آن استناد نمود، مرتکب از نظر حقوق جزا مسئول است (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۲: ۶۷). البته اگر چنانچه معلوم شود قصد شخص از بمب گذاری صرفاً ایجاد یک انفجار صوتی است که غالباً کشنده نیست یا در یک مکانی بوده که قاعدتاً شخصی از آنجا عبور نمی کند و به صورت اتفاقی شخصی به آن محل رفته و با بمب مواجه شود و با اینکه امکان دوری از بمب را داشته باشد، دور نشود و در نتیجه انفجار بمب کشته شود، استناد قتل عمدی به بمب گذار سخت خواهد بود. در این مورد قتل بر اساس قاعده‌ی اقدام حذر که مورد اشاره قرار گرفتند، مستند به رفتار مقتول (دوری نکردن) خواهد بود.

در مواردی هر چند بمب گذار بمبی را در محلی قرار می دهد ولی با توجه به نقضی که در بمب وجود دارد، قابلیت انفجار وجود ندارد ولی به علت دست کاری پلیس و یا شخص دیگر در جهت خنثی کردن، بمب مذکور منفجر شده و منجر به کشته شدن این اشخاص می شود. در این مورد آیا می توان گفت قتل های حاصله مستند به تقصیر مقتولین است؟ به نظر می رسد در صورتی که اثبات شود بمب خود به خود منفجر نمی شد و انفجار حاصله مستند به تقصیر پلیس یا شخص دیگری در جهت خنثی کردن است، قتل های حاصله نیز مستند به رفتار آنها خواهد بود؛ چراکه بدون دخالت آنها بمب منفجر نمی شد. برای مثال شخص بمب مکشوفه را با بی احتیاطی به یکجایی پرتاب کند یا اعمالی از این قبیل انجام دهد که منجر به انفجار شود. در این صورت نمی توان شخص بمب گذار را مسئول اشتباه پلیس یا خنثی کننده دانست و قتل را مستند به وی کرد. اگر چنانکه خنثی کننده بدون اینکه مرتکب تقصیری شود، باعث انفجار بمب شود که در نتیجه آن خودش و اشخاص دیگری کشته شوند، قتل منتسب به بمب گذار خواهد بود هر چند بمب بدون دست کاری وی قابلیت انفجار نداشته باشد؛ چراکه قانوناً پلیس وظیفه دارد تا نسبت به خنثی کردن بمب اقدام کند هر چند در خنثی کردن بمب مرتکب اشتباه شود البته همان طور که ذکر شد این اشتباه نباید ناشی از تقصیر (بی مبالاتی و بی احتیاطی) باشد.

۴-۲. رفتار عمدی و ناآگاهانه‌ی مقتول؛

در این مورد شخص به صورت عمدی و از روی اراده یک عملی را مرتکب می‌شود ولی نسبت به ماهیت عمل خود آگاهی ندارد. برای مثال شخصی بمبی را در کیفی قرار داده و در مسیر عابرین قرار می‌دهد تا افرادی که از آنجا عبور می‌کنند در نتیجه‌ی انفجار بمب کشته شده یا آسیب ببینند. یکی از عابرین به تصور اینکه این کیف حاوی پول یا یک شیء گران‌قیمت است برداشته و به خانه خود می‌برد و بمب در خانه منفجر شده و منجر به کشته شدن خودش و اعضای خانواده‌اش می‌شود. در این صورت قتل‌های صورت گرفته را باید مستند به رفتار بمب‌گذار کرد یا شخصی که بمب را به داخل خانه منتقل کرده است؟ در جواب باید گفت با توجه به سوءنیت وسیع مرتکب (بمب‌گذار) که کشته شدن هر انسانی می‌تواند در محدوده‌ی سوءنیت وی جا گیرد، اشتباه قربانی یا دیگر افراد تأثیری بر ماهیت قتل انجام گرفته نخواهد داشت و قتل مستند به بمب‌گذار خواهد بود؛ زیرا به لحاظ عرفی بین رفتار متهم و نتیجه‌ی حاصله رابطه‌ی علیت برقرار است.

اگر چنانچه مرتکب یک بمب را در یک مکان غیر عمومی (مثلاً منزل شخصی) و برای کشتن یک شخص معین کار گذاشته باشد و شخص دیگری آن را به تصور اینکه شیء خطرناکی نیست جابه‌جا کند و در نتیجه‌ی انفجار آن کشته شود قتل مستند به رفتار خودش خواهد بود؛ مانند سارق‌هایی که به صورت اتفاقی وارد خانه شخصی شده و با تله‌ی بمبی که شخص دیگری برای صاحب‌خانه کار گذاشته است کشته شود. ولی اگر شخصی بمبی را در ملک شخصی دیگری قرار دهد و شخص مذکور برای خنثی کردن بمب از پلیس کمک بگیرد ولی در اثر انفجار بمب پلیس کشته شود، قتل حاصله مستند به عمل بمب‌گذار خواهد بود؛ چراکه شخصی که بمب-گذاری کرده احتمال دخالت پلیس را می‌داده است هرچند قصد کشتن پلیس را نداشته است ولی عمل وی مصداق کار نوعاً کشنده است که در بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. اشاره شده است.

۵. ترک فعل مقتول؛

هر آنچه در بندهای بالا ذکر گردید مربوط به رفتارهای مقتول به شکل «فعل» است. در برخی موارد مقتول می‌تواند با ترک فعل خود بر رابطه‌ی استناد بین رفتار انجام گرفته توسط مرتکب و نتیجه‌ی حاصله تأثیر بگذارد. برای مثال شخصی که شیر گاز اتاق فردی را باز می‌کند تا در اثر استنشاق گاز و خفگی ناشی از آن به قتل برسد درحالی که توانایی بر خروج از منزل یا بستن شیر گاز را دارد ولی در خانه می‌ماند و خفه می‌شود. در این صورت قتل حاصله مستند به مرتکب (بازکننده‌ی شیر گاز) نخواهد بود و مقتول مسئول قتل خودش است. استفتائات زیر که از دو نفر از فقهای معاصر در رابطه با اقدام به خودکشی جمعی و مسئولیت بازماندگان به عمل آمده است قابل توجه است. پرسیده شد: دو نفر قصد خودکشی داشته‌اند، بنا می‌گذارند با باز کردن شیر گاز شهری خود را خفه نمایند، نفر اول شیر گاز را باز می‌کند، پس از مدتی حالت خفگی دست می‌دهد و نفر دوم جان خود را از دست می‌دهد ولی نفر اول از خودکشی منصرف شده و خود را نجات می‌دهد، با توجه به اینکه خفگی نفر دوم در اثر باز کردن شیر گاز توسط نفر اول بوده است آیا می‌توان نفر دوم را به عنوان مباشر یا مسبب قتل تحت تعقیب قرار داد؟ آیت‌الله مکارم شیرازی در جواب بیان می‌کند با توجه به اینکه شخص مقتول با علم و آگاهی به قصد خودکشی در آنجا مانده و فرار نکرده است خون او هدر است؛ زیرا در اینجا مباشر اقوی از سبب است. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز نظر مشابهی دارند (CD گنجینه استفتائات قضایی، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی).

مثال دیگر در این مورد انداختن شخص به داخل آتش و یا عدم مداوای شخص بعد از زخمی شدن و فوتش در نتیجه‌ی سرایت زخم است. اگر پی بردیم کسی که به آتش انداخته شده است، خودش نخواسته از آتش بیرون بیاید در این صورت جانی را قطعاً قصاص نمی‌کنند؛ زیرا او با ماندنش در آتش که کار دیگری غیر از انداختن به آتش است، خودکشی کرده است. لذا فعل کشتن منتسب به خود اوست و به جانی مربوط نیست (نجفی، ۱۳۹۲: ۵۵). از نظر شهید ثانی اگر

به کسی جرحی وارد کنند (که به آسانی قابل معالجه بوده) ولی مجنی‌علیه معالجه نکند و زخم سرایت کرده بمیرد، جانی ضامن است؛ زیرا با اینکه مجنی‌علیه در معالجه کوتاهی کرده است ولی او با سرایت آن زخم مرده است (نجفی، همان، ص ۵۶، شهید ثانی، ۱۳۹۱: ۲۸۱). به نظر می‌رسد تفاوتی بین «انداختن شخص در آتش در صورتی که شخص به راحتی امکان خروج از آن را دارد ولی عمداً یا از روی تقصیر در آن می‌ماند» و «زخم زدن در حدی که کشنده نباشد و ضرر بیشتر مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد»، وجود ندارد. در هر دو حالت ذکر شده جنایت بیشتر، مستند به عمد یا تقصیر خود مجنی‌علیه است و از این جهت رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله قطع گردیده است و به لحاظ عرف نیز قتل حاصله قابل انتساب به جانی نیست. در این زمینه قانون‌گذار به درستی در ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضامن ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد، لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.»

۶. برآمد؛

۱- برای تحقق قتل عمدی علاوه بر انجام رفتار مجرمانه و وقوع نتیجه، باید بین رفتار انجام گرفته و نتیجه‌ی حاصله رابطه‌ی استناد برقرار باشد. به عبارت دیگر برای اینکه قتلی را منتسب به شخصی کنیم باید قتل از رفتار آن شخص منتج شده باشد و عامل دیگری در وقوع نتیجه دخالت نداشته باشد یا آن قدر مهم نباشد که قتل قابلیت انتساب به آن را داشته باشد. احراز رابطه‌ی استناد در ماده ۴۹۲ ق.م.ا. مورد تأکید قرار گرفته است؛ بر اساس این ماده، «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه‌ی حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.» در مواد مشابه دیگری نیز

احراز رابطه‌ی استناد مورد تأکید قرار گرفته است از جمله می‌توان به تبصره ۱ ماده ۴۹۶، ماده ۵۰۵، تبصره ۲ ماده ۵۰۸، تبصره ماده ۵۲۳، ماده ۵۲۶ اشاره کرد.

۲- رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله به دلایل مختلفی و با دخالت عوامل خارجی ممکن است قطع گردد؛ یکی از این عوامل دخالت خود مقتول است. مقتول ممکن است در قالب «رفتار عمدی و آگاهانه»، «رفتار عمدی و ناآگاهانه» در مسیر تحقق جرم قرار گیرد. در کنار رفتار مقتول باید به سوءنیت مرتکب نیز توجه داشت؛ چراکه ترکیب سوءنیت مرتکب و رفتار مقتول صور مختلفی را به وجود می‌آورد.

۳- اگر مرتکب بر اساس بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد و شخص دیگری با رفتار «عمدی و آگاهانه»، بدون اطلاع مرتکب و بدون اینکه عرفاً برای مرتکب قابل پیش‌بینی باشد در مسیر تحقق جرم قرار گیرد و مقتول واقع شود، قتل منتسب به رفتار خود مقتول خواهد بود؛ چراکه رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و قتل حاصله برقرار نیست. اگر مرتکب قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد و مقتول با رفتار «عمدی و ناآگاهانه» (ناآگاه نسبت به کشته‌بودن رفتار) خود وارد مسیر تحقق جرم شود، باید بین حالتی که مرتکب قادر بر ممانعت از ارتکاب رفتار کشته‌کننده توسط مقتول باشد و حالتی که قادر به جلوگیری از انجام رفتار کشته‌کننده توسط مقتول نباشد تفکیک قائل شد؛ در حالت اول از نظر عرفی قتل منتسب به رفتار مرتکب خواهد بود ولی در حالت دوم (عدم توانایی بر جلوگیری از انجام رفتار کشته‌کننده توسط مقتول) قتل مستند به رفتار خود مقتول خواهد بود.

۴- اگر مرتکب با انجام رفتاری قصد کشتن انسان‌های نامعینی را داشته باشد، مانند بمب‌گذاری در اماکن عمومی، با دخالت مقتول و انجام رفتاری توسط وی که منجر به کشته‌شدن خودش گردد، رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و قتل حاصله قطع نخواهد گردید؛ چراکه سوءنیت مرتکب آن‌چنان وسیع است که شامل کشته‌شدن هر انسانی می‌شود، لکن در مواقعی که رفتار مرتکب به تنهایی منجر به قتل نمی‌شود (برای مثال بمب را اشتباه کار گذاشته باشد

به نحوی که بدون دخالت شخص دیگری آن بمب منفجر نمی‌شد) و مقتول با انجام رفتار اشتباه باعث انفجار شود، قتل حاصله به بمب‌گذار مستند نخواهد بود.

۵- در مواردی ممکن است مرتکب نسبت به مقتول رفتار کشنده‌ای را مرتکب شود لکن مقتول نیز اختیار تام دارد تا خود را نجات دهد. در این موارد قتل مستند به رفتار خود مقتول خواهد بود؛ زیرا طبق قاعده‌ی اقدام، مقتول علیه خودش اقدام کرده و عملش خودکشی محسوب می‌شود. همان‌طور که قتل دیگران حرام است نجات جان خود نیز در مواردی که توانایی آن باشد واجب است.

پیشنهاد؛

۱- قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی موضع خود را نسبت به خودکشی اعلام دارد و حتی‌الامکان اقدام به خودکشی، خودکشی ناموفق و معاونت در خودکشی را جرم‌انگاری کند.

۲- قانون‌گذار با در نظر گرفتن سوءنیت مرتکب، نسبت به تأثیر رفتار مقتول در قتل خویش ماده‌ی را به این شکل تصویب کند: برای تحقق قتل عمدی وجود رابطه‌ی استناد بین رفتار مرتکب و نتیجه‌ی حاصله ضروری است، در صورتی که وقوع قتل مستند به رفتار خود مقتول باشد، باید به شکل زیر عمل شود:

الف) اگر مرتکب قصد کشتن انسان یا انسان‌های معین را داشته باشد لکن شخص دیگری با رفتار عمدی به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر ارتکاب جرم قرار بگیرد و مقتول واقع شود قتل منتسب به رفتار خود مقتول خواهد بود.

ب) در مواردی که مرتکب قصد کشتن انسان یا انسان‌های غیرمعین را دارد، رفتار مقتول تأثیری در قطع رابطه‌ی انتساب بین رفتار مرتکب و قتل خودش نخواهد داشت، مگر

اینکه مرتکب با رفتار عمدی و آگاهانه قصد خودکشی داشته باشد که در این صورت قتل منتسب به خودش خواهد بود.

Archive of SID

منابع؛

- اسماعیل آبادی، علی‌رضا؛ رضوی، محمدحسن (۱۳۸۶)، «مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان‌دیده و اقدام (در نظام حقوقی کامن لا و اسلام)»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۵، ص ۸۲-۶۱.
- الهی منش، محمدرضا، مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران: مجله.
- الهیان مجتبی، ریاحی جواد، مختاری علیرضا (۱۳۸۷)، «رابطه استناد و نحوه تقسیم مسئولیت در تصادم»، اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره سیزدهم، صص ۴۹-۳۱.
- بازگیر، یدالله، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور-۲، قتل شبیه عمدی و خطای محض، چ دوم، تهران: انتشارات بازگیر.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۱)، «ترک فعل به مثابه عمل کشنده»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ص ۳۱۴-۲۳۷.
- رون زاد، علی‌رضا؛ شاکری، ابوالحسن؛ (۱۳۸۲)، «عوامل قطع رابطه انتساب در قتل در حکم شبه عمد»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۳، ص ۱۶۴-۱۴۷.
- ریاحی، جواد (۱۳۸۶)، تفاهم عرفی در رابطه‌ی استناد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- الزحیلی، وهبه (۱۹۹۷)، الفقه الاسلامی و ادلته، بخش ۶، ج ۴، دمشق: دارالفکر.
- زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۳۹۱، شرح لمعه، ترجمه اسدالله لطفی، انتشارات مجله، تهران
- سرخسی، بی‌تا، المبسوط، ج ۲۷، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر.
- شاکری، ابوالحسن؛ مرادی کندلاتی، اسفندیار (۱۳۸۸)، «بررسی امکان ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل در فقه و حقوق کیفری ایران»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دفتر ۱، ص ۱۲۴-۱۰۷.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۱)، جرایم علیه اشخاص، ج پنجم، تهران: نشر میزان
- صادقی، محمدهادی، جودکی، بهزاد (۱۳۹۵)، «امکان وقوع جنایت به وسیله ترک فعل»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم، ص ۱۲۰-۹۰.

- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۷)، قواعد فقه، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲)، ریاض المسائل، ج ۱۰، تحقیق، هیاه التألیف و التحقيق و الترجمة فی دارالهادی: بیروت.
- علامه حلی (۱۴۱۸)، قواعد الاحکام، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۳ هـ.ق)، التشریح الجنایی الاسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات بعثت.
- کلاتری، کیومرث و شیرزادی، فرشاد، (۱۳۹۳)، «قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۷۹-۹۶.
- گنجینه استفتائات فقهی، معاونت آموزش قوه قضاییه، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی.
- محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۳ هـ.ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات استقلال، تهران، چاپ چهارم.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱)، قواعد فقه بخش جزایی، قم: انتشارات علوم انسانی.
- محمدخانی، عباس (۱۳۸۹)، تقلیدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوا از مباشر، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴، شماره ۷۰، صص ۱۰۹-۹۳.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۹)، قواعد فقهیه، تهران: نشر عروج.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۵)، قاعده اقدام، وقف میراث جاویدان، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرایم علیه اشخاص»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، صص ۱۶۲-۱۳۳.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲)، جواهر الکلام قصاص، ترجمه نایب زاده اکبر، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام، ج ۴۳، تصحیح، تحقیق و تعلیق: رضا استادی، دار احیاء التراث العربی: بیروت.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۵)، جرایم علیه اشخاص، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم.